

جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج^۱

سهیلا صادقی فسایی^۲

سید محسن بنی جمالی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۱

مطالعه حاضر با روش کیفی و به وسیله مصاحبه نیمه ساختاریافته و با هدف واریسی نقش خانواده در چگونگی مدیریت ازدواج از منظر جوانان انجام شده است. نمونه‌ها که تعداد آنها ۲۵ تن است، بر اساس رویه‌های انتخاب مبتنی بر بیشترین اطلاعات و حداکثر تغییرات انتخاب شده و در آن صفات جنسیت، وضع تأهل، سن، طبقه و دسترسی مورد ملاحظه قرار گرفته است. تحقیق نشان داد که بار اصلی در ازدواج و گذار به بزرگسالی جوانان بر عهده خانواده است که خود منابع لازم را برای مدیریت چنین امری، در اختیار ندارد. این قضیه به دلیل نقش سنتی خانواده در ازدواج جوانان تقویت می‌شود، ضمن آنکه به علت نوع رژیم رفاهی در ایران روز به روز مسئولیت‌های بیشتری در مدیریت زندگی جوانان بر عهده خانواده قرار می‌گیرد. از این لحاظ می‌توان گفت خانواده‌ها در عرصه گذار به بزرگسالی و ازدواج جوانان درگیر فشار احتمالی مضاعف و تشدید نابرابری فزاینده خواهند بود که در نهایت فرسودگی ایشان را در آن حوزه سبب خواهد شد. فرسودگی خانواده در نتیجه برعهده داشتن مسئولیت‌های متنوع گذار به بزرگسالی جوانان یکی از مهمترین مفاهیم پیشنهادی این مقاله است.

همین حال مطالعه نشان داد که روابط جوانان و خانواده در فرآیند مدیریت ازدواج بر پایه تعامل و به گونه‌ای منعطف و بازاندیشانه تنظیم می‌شود. در این مورد جوانان ضمن آنکه بر حق انتخاب خود و همزمان بهره‌بردن از امکانات خانواده تأکید می‌کنند، نقش خانواده در نظارت بر آشنایی و سازمان دادن به جریان ازدواج را نیز می‌پذیرند. مطابق با چنین تحولاتی روابط جدیدی در مدیریت گذار به بزرگسالی بین فرزندان و خانواده‌ها شکل یافته است که بر اساس آن خانواده‌ها با خواسته‌های جوانان کنار می‌آیند و استقلال و فردگرایی آنها را در آشنایی و انتخاب می‌پذیرند، اما حمایت خود را نیز از آنها همچنان حفظ می‌کنند.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی سید محسن بنی جمالی با عنوان «ازدواج و گذار به بزرگسالی در شرایط نامتعین؛ مدیریت و راهبری ازدواج توسط جوانان؛ مورد مطالعه شهر تهران» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.

^۲ دانشیار، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳ رئیس گروه مطالعات مدیریت، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، وزارت ورزش و جوانان، تهران، ایران (دکترای تخصصی، جامعه‌شناسی)

E-mail: Banijamali@ut.ac.ir

اقتصادی و توسعه از دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از مهمترین مناقشه‌ها در عرصه مطالعات خانواده، بحث چگونگی اثر شرایط مدرن بر ازدواج بوده است. البته از آنجا که اثرات مدرنیته بر ازدواج بیش از هر چیز انعکاس خود را در بازتعریف نقش خانواده در ازدواج می‌یافته است، مطالعات مربوط به «نقش خانواده در ازدواج» و «چگونگی تعامل خانواده و جوانان در مدیریت ازدواج ایشان» نیز عملاً حول محور مطالعات خانواده و ازدواج انجام شده است. در مطالعات مختلف در شرح و تفسیر تحولات مربوط به نقش خانواده در ازدواج، از فردی شدن ازدواج (بنی‌جمالی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)، فردگرایی (مهدوی و مشیدی، ۱۳۸۹) و خود پیرو شدن جوانان در ازدواج (دلخموش، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸)، عقلانی شدن انتخاب در ازدواج (کازمی‌پور، ۱۳۸۸)، و گرایش به عشق ناب (جلایی‌پور و گرامیان، ۱۳۹۰) که به معنای غلبه فردگرایی و کم شدن نقش خانواده در ازدواج است، یاد شده است. در مقابل این نگاه، در مطالعات بسیاری نیز در برابر «رخت بر بستن» خانواده از حوزه ازدواج جوانان بر «بازتعریف» نقش خانواده در ازدواج جوانان تأکید شده است؛ از جمله در تفسیر چگونگی تعامل خانواده و جوانان از پیگیری علائق در عین حفظ سنت‌ها (جلایی‌پور و گرامیان، ۱۳۹۰)، تجددگرایی سنت‌مآبانه (ساروخانی و مقربیان، ۱۳۹۰)، گرایش همزمان به سنتی و مدرن (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹)، تغییر و تداوم همزمان (ذکایی، ۱۳۸۸)، رفتار منعطف در تعامل جوانان و خانواده (آزاد و ملکی، ۱۳۸۶)، عمل‌گزینشی (جمشیدی‌ها و صادقی فسایی و لول‌آور، ۱۳۹۲) و نظم جدید (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲) یاد شده است.

مطابق با مطالعات فوق، آشکارا خانواده محور مهم مباحث مربوط به جوانان و نیز تحولات حاصل از مدرنیته در این حوزه شده است؛ حتی در بعضی موارد چگونگی وضعیت مدرن یا اندازه تغییر در مدرنیته بر اساس نسبت فاصله فرد با خانواده سنجیده و تعریف شده است. در این مورد به عنوان مثال، نظریات جدیدتر که به وجود شرایط «پسامدرن^۱» و یا حتی «مدرن متأخر^۲» در جامعه متأخرتر غربی معتقدند، بر بازتعریف نقش خانواده در زندگی فردی جوانان تأکید می‌کنند و اینکه خانواده در شرایط جدید کارگزار و عامل ایجاد موقعیتی برای جوانان خود شده است که مطابق آن ایشان بهره بهتری از فردگرایی خود ببرند و

^۱ postmodern

^۲ Late modern

همین طور تجربیات آزاد و متفاوتی بیافرینند (ن.ک. به لکاردی و روسپینی^۱، ۲۰۰۶). با این تعابیر اکنون تحولات مهم در خود مدرنیته همه چیز را تحت تأثیر قرار داده و آنچه را که در مورد نقش خانواده در ازدواج تصور می‌شده به کنار نهاده است. به بیان دیگر، از آنجا که مدرنیته خود تغییر یافته و ویژگی‌های متفاوت یافته، نسبت رابطه خانواده با جوانان در پیگیری وقایع گذار نیز تغییر کرده است و مطابق آن دیگر فاصله بین فرد و خانواده در مدیریت گذار، چگونگی و وضعیت مدرنیته را تعیین نمی‌کند. در این مورد به عنوان مثال، شرح داده می‌شود که خانواده در پاسخ به شرایط نامتعیین در زندگی جوانان و نیز فقدان نهادهای رفاهی و در نبود مسئولیت‌هایی که قبلاً برعهده دولت بوده، اکنون رابطه بازتعریف شده‌ای با جوانان در امر ازدواج یافته است.

در شرایط جدید، خانواده از جنبه دیگری نیز در مرکز توجه مطالعات جوانان و گذار به بزرگسالی قرار گرفته است. در شرایط پیش‌بینی ناپذیر و در فقدان نهادهایی که مسئولیت امور زندگی جوانان را برعهده گیرد و در غلبه و تفوق سیاست‌های نولیبرال که باعث شده دولت از زیر بار مسئولیت امور جوانان شانه خالی کند، خانواده به تنها نهادی تبدیل شده که همچنان مسئولیت‌های گذار به بزرگسالی جوانان از جمله تحصیل و ازدواج و حتی گاه مسکن و کار را همچنان حفظ کرده است. این امر نقش خانواده را در گذار به بزرگسالی جوانان برجسته ساخته است و آنها را پس از یک دوره طولانی «در حاشیه بودن» بار دیگر به متن زندگی جوانان بازگردانده است. بدین شکل خانواده اکنون مرکز تحولات زندگی جوانان شده است. با ملاحظه آنچه گفته شد و با توجه به وضعیت جدیدی که در روابط بین جوانان و خانواده پیش آمده است و در جستجوی فهم نقش خانواده در ازدواج جوانان - به عنوان مهمترین وجه گذار به بزرگسالی - مقاله حاضر به دنبال آن است تا دریابد که از منظر جوانان:

۱. نقش خانواده در حمایت مادی و غیر مادی از ازدواج جوانان چیست؟
۲. خانواده و جوانان در مدیریت مباحث مربوط به آشنایی، شناخت و انتخاب در ازدواج چگونه تعامل می‌کنند؟

شایان ذکر است که مطالعه حاضر موضوع را از منظر جوانان می‌بیند و به طرف والدین کاری ندارد، زیرا آن را شایسته مطالعه مستقل دیگری می‌داند.

^۱ Leccardi and Ruspini

شرایط و زمینه‌های گذار به بزرگسالی و ازدواج

گذار جوانان به بزرگسالی بیش از هر چیز تحت تأثیر شرایط نامتعیین است. شرایط نامتعیین، نامطمئن و مخاطره‌آمیز، ویژگی عمومی زندگی جوانان است که وجود آن در بسیاری از مطالعات گذار به بزرگسالی تأیید می‌شود. در این باره بلاسفلد و میلز^۱ (۲۰۱۰: ۳۸) مطرح می‌کنند که جهانی شدن، بازارها را پویاتر و البته پیش‌بینی‌ناپذیرتر ساخته و از آن طریق عدم قطعیت را جزئی از زندگی روزمره کرده است. آنها نتیجه می‌گیرند که عدم قطعیت (ناشی از جهانی شدن) امنیت اقتصادی را کاهش داده و اشتغال را نامطمئن و منعطف ساخته است. مطابق با چنین شرایطی، تصویر عمومی گذار جوانان به بزرگسالی در جهان جدید گذاری نامتعیین، نامتعادل، شلوغ، پیش‌بینی‌ناپذیر و پیچیده شده است؛ امری که بطور طبیعی باید از سوی رژیم رفاهی مهار و تعدیل شود. در این باره هاینتز^۲ (۲۰۰۹) معتقد است که اثر مخاطره (به عنوان مثال در ازدواج) به وسیله رژیم رفاهی، امکانات آموزشی، شرایط اشتغال و البته ساختارهای خانوادگی تصفیه می‌شود. جونز^۳ (۲۰۰۹) تأکید می‌کند که گذار به بزرگسالی کماکان تحت تأثیر سیاست‌های دولت، نهادها و الگوهای رفاه است. شوول^۴ (۲۰۱۰)، و بلاسفلد و میلز نیز در بررسی چگونگی گذار جوانان به بزرگسالی (از تحصیل به کار) رژیم‌های رفاهی را به عنوان متغیر اصلی در نظر می‌گیرند و به مقایسه نتایج سیاست‌های رفاه در راهبردهای جوانان در گذار به بزرگسالی می‌پردازند. بلاسفلد و میلز (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که عدم قطعیت ناشی از نیروهای جهانی شدن به شکل نهادی و مطابق با ساختارهای رفاهی فیلتر می‌شود و به سوی گروه‌های اجتماعی خاص جهت می‌یابد. به همین دلیل سازمان‌های نهادی و ساختارهای اجتماعی که به طور تاریخی رشد یافته‌اند- مثل خانواده- اثر نیروهای دخیل در عدم قطعیت را کاهش یا افزایش می‌دهند. آنها نتیجه می‌گیرند که اثرات عدم قطعیت در رژیم‌های رفاهی مختلف، متفاوت است (همان: ۳۸) مثلاً در بعضی کشورها، به علت نوع رژیم رفاهی، جوانان بسیار بیشتر از ناملایمات ناشی از شرایط عدم قطعیت تأثیر می‌پذیرند. از سوی دیگر، در درون هر کشور عدم قطعیت به‌گونه نابرابری توزیع می‌شود و آنها که در طبقات پایین قاعده هم اجتماعی قرار دارند، با مشکلات عدم قطعیت هم بیشتر روبرو می‌شوند

^۱ Blossfeld and Mills

^۲ Heinz

^۳ Jones

^۴ Chauvel

(تِرِمِل^۱، ۲۰۱۰: XVII). به علاوه، آنها تأکید دارند که راهبردهای جوانان در برخورد با شرایط نامتعین تابعی از آن رژیم رفاهی است که در آن زندگی می‌کنند (بلاسفلد و میلز، ۲۰۱۰). به طور مشخص شوول (۲۰۱۰) به مقایسه نوع رژیم رفاهی و چگونگی پاسخ به شرایط سخت و نامطمئن می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه جوانان در رژیم‌های رفاهی مختلف راهبردهای متفاوتی را در مدیریت‌گذار خود از جمله تدارک مسکن و گذار به خانوار مستقل، ازدواج و فرزندآوری برمی‌گزینند.

در نقطه مقابل تأکید بر اثر رژیم رفاهی در گذار به بزرگسالی، مطالعات دیگری است که نشان می‌دهد انواع رژیم‌های رفاهی^۲ در تعدیل شرایط نامطمئن زندگی جوانان چندان توفیقی نداشته‌اند. از نگاه ایشان اثرات مخاطره آنچنان عمیق بوده است که رژیم‌های رفاهی عملاً ناتوان از تغییر در آن بوده‌اند. در این باره کرتسوس^۳ (۲۰۱۰: ۳) هر چند اثر رژیم‌های رفاهی را تکذیب نمی‌کند، اما معتقد است رژیم‌های رفاهی باعث تفاوتی در شرایط جدید نشده است. وی تصریح می‌کند که در شرایط جدید، عناصر مخاطره‌آمیز در تمام زمان‌ها و مکان‌های زندگی توزیع می‌شود و بنابراین موقعیت زیست‌شده‌ای را شکل می‌دهد که گسترشی فراتر از مرزهای فقط کار و اشتغال دارد. مطابق بحث وی، انواع رژیم‌های رفاهی نیز نتوانسته‌اند در وضعیت جوانان در چنین محیطی تفاوت ایجاد کنند. از این منظر، شرایط نامتعین بر تمامی فضای زندگی سیطره یافته و در حوزه‌هایی مثل ازدواج نیز وارد شده است. در مطالعات دیگری نشان داده شده که گذار به بزرگسالی هیئتی فردی، زندگی‌نامه‌ای و موقعیتی یافته است (ن. ک. به لگاردی، ۲۰۰۶). مطابق با چنین تعبیری در انواع رژیم‌های رفاهی نوعی همشکلی در گذار ایجاد شده که مطابق آن جوانان خود سرنوشت خود را تعیین می‌کنند. در این شرایط فرقی نمی‌کند که جوانان در چه رژیم رفاهی زندگی می‌کنند، بلکه به هر حال آنها با شرایط نامطمئن، مخاطره‌آمیز و پیش‌بینی‌ناپذیر روبرو هستند. بر اساس چنین دریافتی، آنچه بین جوانان تفاوت ایجاد می‌کند چگونگی مدیریت خود ایشان است و گرنه بالاخره همه جوانان با چنین شرایطی روبرو هستند. در واقع از همین جاست که خانواده اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. هم شوول (۲۰۱۰) و هم بلاسفلد و میلز (۲۰۱۰) ضمن بررسی اثر سیاست‌ها و نهادهای برآمده از رژیم رفاهی تعامل آن سیاست‌ها و نهادها را با خانواده و چگونگی مدیریت‌گذار مورد توجه قرار داده‌اند. هاینتز

^۱Tremmel

^۲ هر چند بنا به تعاریف مختلف، انواع متفاوتی از رژیم رفاهی را می‌توان فهرست کرد، اما در اینجا منظور رژیم رفاهی لیبرال، محافظه‌کار، خانواده‌گرا و سوسیال‌دمکرات است.

^۳ Kretsos

(۲۰۰۹) تاکید دارد که اثر مخاطره (مثلاً در ازدواج) علاوه بر رژیم رفاهی، به وسیله ساختارهای خانوادگی تصفیه می‌شود. لگاردی و روسپینی (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که جوانان برای ساختن دوباره نظم و رودرویی با شرایط نامتعین به خانواده متکی هستند و فعالانه با آن تعامل می‌کنند. در همین جهت، سوارتز و ابراین^۱ (۲۰۰۹) از روابط جدید فرزندان و خانواده‌ها در مدیریت گذار می‌گویند. جونز (۲۰۰۹) نیز شرح می‌دهد که خانواده‌ها در طبقه متوسط از جوانان و بخصوص مردان جوان در جهت طولانی‌ترکردن تحصیل و دستیابی به مدارج بالاتر تحصیل و در نهایت گذار کندتر حمایت می‌کنند. به همین دلیل است که وین و وودمن^۲ (۲۰۰۶) بر ضرورت برگرداندن خانواده به کانون مطالعات جوانان تأکید می‌کنند. حتی در امر ازدواج نیز جونز، اسولیوان و رز^۳ (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که والدین فعالانه در تشکیل زوجیت فرزندان دخالت دارند. به همین ترتیب، هیث^۴ (۲۰۰۲) نیز نشان می‌دهد که والدین در شکل دادن به محتوای ازدواج و ایجاد تغییر در آن مطابق علائق جوانان با توجه به شرایط زندگی جدید فعالانه درگیرند. به طور مشخص لگاردی (۲۰۰۶) از آن بحث می‌کند که خانواده در تقابل با عدم قطعیت و مخاطراتی که در زندگی جوانان و در گذار به بزرگسالی آنها وجود دارد، میدان‌دار است. به عبارت دیگر، این خانواده است که به کنترل شرایط پرمخاطره در زندگی جوانان می‌پردازد و هزینه‌های تحصیل، کارآموزی، اشتغال، اوقات فراغت، استقلال یافتن، تهیه مسکن و ازدواج آنها را متقبل می‌شود. بسیاری از این‌ها پیش از این در حیطه وظایف دولت رفاهی بود، اما اکنون با نولیبرال شدن دولت‌ها آنها از زیر بار این وظایف شانه خالی کرده‌اند و خانواده‌ها به اجبار بر آنها گردن نهاده‌اند. به همین دلیل است که گفته می‌شود خانواده در فضای بی‌ارجاع حاصل از تغییرات توسعه‌ای و جهانی شدن، مرجع جوانان شده است. از این منظر خانواده در جهان مخاطره‌آمیز گذار به بزرگسالی جوانان تنها نقطه ارجاع و لنگری مطمئن است که مخاطره‌آمیز نمی‌نماید؛ یعنی حمایت‌های آن از فرد دستخوش تغییر نمی‌شود و همیشه وجود دارد. او شرح می‌دهد که به همین دلیل خانواده اشکالی از استمرار زمانی می‌آفریند که می‌تواند عدم استمراری را که مشخصه ساخته‌های زندگی‌نامه‌ای جوانان است برهم‌زده و از سر راه بردارد^۵ از نظر لگاردی این «خانواده جدید» که گذار طولانی جوانان را به بزرگسالی پایدار می‌سازد، بطور بسیار دقیقی پروفایل نهادهای مدرنیته دوم را بازخوانی

^۱ Swartz and O'Brien

^۲ Wyn and Woodman

^۳ Jones, O'Sullivan and Rouse

^۴ Heath

^۵ counterbalancing

می‌کند؛ نهادهایی که فرآیندهای فردی شدن را نه از خلال قواعد تنظیم‌کننده بلکه از خلال قواعدی امکان‌پذیر می‌سازد که اجازه بازی آزاد انتخاب‌های فردی را می‌دهد (همان: ۳۳ و ۳۴). از دید او اگر طفره رفتن از مسئولیت یک روی سگه است، روی دیگر آن منظر آزمایشی و یا زندگی‌نامه‌ای است (همان: ۳۵). از این منظر خانواده و حضور بلامنازع آن در زندگی جوانان خود نشانه‌ای آشکار از ظهور مدرنیته دوم است که ساختن زندگی‌نامه و ساختن خود مهمترین وجه آن است. (همان).

تاریخچه موضوع

در بحث نقش خانواده در ازدواج جوانان، جنبه‌های بسیار گوناگونی مطرح است. از یک سو، بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که عاملیت جوانان در ازدواج به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. از جمله بنی‌جمالی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان «جوانان و ازدواج؛ آرمان‌ها، واقعیت‌ها و امیدها» مطرح می‌کند که ازدواج در حال فردی شدن است. مطابق با یافته‌های وی، جوانان اعم از دختر و پسر نسبت به گذشته مسئولیت‌های بیشتری را در فرآیند به اجرا درآوردن ازدواج می‌پذیرند و بنابراین روز به روز عاملیت بیشتری را در آن عرصه در رقابت با خانواده به نمایش می‌گذارند. دلخوش (۱۳۸۸ و ۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود نشان می‌دهد که ارزش‌های ازدواج در حال تغییر و مدرن شدن است. مطابق کار وی، جوانان در مقیاس سلسله مراتبی ارزش‌های ازدواج ابعاد «خودپیروی» و «برابرنگری» را - که نشانه فردگرایی و برعهده گرفتن مسئولیت‌های بیشتر در ازدواج است - در مرتبه‌های بالاتر و ابعاد «محاط‌شدگی» و «سلسله‌مراتبی» را - که نشانه خانواده‌گرایی و سپردن مسئولیت ازدواج به خانواده است - در جایگاه پایین‌تری قرار می‌دهند. کاظمی‌پور (۱۳۸۸) نیز بر غلبه عقلانیت در انتخاب یا به تعبیر دیگر فردی شدن انتخاب در ازدواج تأکید می‌کند. به همین ترتیب مهدوی و مشیدی (۱۳۸۹) نیز جهت حرکت در شیوه همسرگزینی را به سوی انتخاب فردی و عشق تشخیص می‌دهند.

علیرغم دریافت‌هایی که حاکی از مدرن شدن و فردی شدن ازدواج است، مرور مطالعات آشکار می‌سازد که همچنان خانواده و سنت‌ها نیز در این عرصه تعیین‌کننده باقی مانده‌اند. هاشمی و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که اکثریت قاطع جوانان معتقد به شیوه بینابین سنتی و مدرن در انتخاب و ازدواج هستند. به همین ترتیب ساروخانی و مقربیان (۱۳۹۰) در تحلیل تحولات ازدواج زنان بیان می‌دارند که نوعی تجددگرایی سنت‌مآبانه در انتخاب همسر شکل گرفته است. آنها این امر را به شکل‌گیری نوعی مدرنیته بومی یا ایرانی تعبیر می‌کنند که در آن زنان با حفظ سنت‌ها متجددانه به پیگیری علائق خود توجه یافته‌اند. در همین زمینه

جلایی پور و گرامیان (۱۳۹۰) نیز با ملاحظه مفهوم رابطه ناب گیدنز مطرح می‌کنند که علیرغم اهمیت دوست داشتن و رضایت عاطفی در ازدواج، جوانان به عوامل بیرونی (از جمله خانواده) نیز توجه بسیار دارند.

مطالعات بسیاری این سرگشتگی آشکار در ازدواج را به نوعی انعطاف دوگانه از سوی جوانان و خانواده تعبیر می‌کنند. ذکایی (۱۳۸۸) در تحلیل گذار جوانان به بزرگسالی علیرغم آنکه میل به استقلال و دموکراتیزه شدن را در مناسبات خانوادگی و اجتماعی شدن جوانان تشخیص می‌دهد، اما نتیجه می‌گیرد که تجربه جوانان در گذار به بزرگسالی فرآیندی از تغییر و تداوم همزمان است. مطابق با نگاه وی علیرغم اختلاف نظری که نسل‌ها در ارزش‌ها و سلیقه‌های خود ابراز می‌دارند، روندی از همگرایی و تفاهم متقابل را نیز در تعاملات رفتاری خود به نمایش می‌گذارند. به عبارت دیگر، علیرغم فردگرایی، جوانان همچنان وابستگی خود را به خانواده‌های خویش حفظ می‌کنند. آزاد و ملکی (۱۳۸۶) این مسئله را به انعطاف خانواده منتسب می‌کنند و اینکه در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران ماندگاری عناصر سنتی در عرصه خانواده، به نسبت سایر عرصه‌ها مثل دین، بسیار کمتر است. در این معنا خانواده‌ها بیشتر از سایر نهادهای اجتماعی نسبت به شرایط بیرونی منعطف و آماده تغییر هستند. در همین زمینه جمشیدی‌ها، صادقی فسایی و لولآور (۱۳۹۲) روندی را مطرح می‌کنند که در جهت بازتعریف ویژگی‌های زندگی مدرن در خانواده در حال تکوین است. از منظر ایشان این بازتعریف در جهت کاهش آسیب‌های مدرنیته و افزایش میزان بهره‌مندی از مزایای آن است. براساس مطالعه ایشان افراد در مواجهه با مظاهر زندگی مدرن گزینشی عمل می‌کنند و شرایط را در جهت انطباق و بهره‌مندی بیشتر باز تعریف می‌کنند. به همین ترتیب صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۲) نشان می‌دهند که چگونه خانواده فعالانه با تغییرات ناشی از جریان مدرن‌شدن برخورد می‌کند و نظم جدیدی را شکل می‌دهد. در این باره مطالعات مختلف اثر منحصر به فرد خانواده در مدیریت جریان ازدواج جوانان را به اثبات می‌رساند؛ به عنوان مثال، میرباقری و ابراهیمی (۱۳۹۲) نشان می‌دهند که خانواده همچنان بیشترین تأثیر را بر رفتارهای جوانان در مسائل مربوط به ازدواج دارد و یا حقیقی‌زاده، کرمی و سلطانی (۱۳۸۹) نقش خانواده را در انتخاب و ازدواج جدی و تعیین‌کننده تشخیص می‌دهند. مطابق با یافته‌های آنها جوانان ترجیح می‌دهند جهت انتخاب همسر با والدین مشورت کنند، اما خودشان تصمیم بگیرند.

برخورد فعالانه و منعطف خانواده در مدیریت ازدواج جوانان تا بدان حد است که علیرغم سیاست‌گذاری و دخالت دولت و نهادهای عمومی در امور خانواده و ازدواج - که حتی به تضعیف نهاد خانواده انجامیده است (قانع‌راد و عزلتی‌مقدم، ۱۳۸۹) - عملاً خانواده‌ها پیام‌های دریافت شده از سوی نهادهای سیاست‌گذار و مداخله‌گر را پالایش می‌کنند. بنی‌جمالی (۱۳۸۲ ب) نشان می‌دهد که خانواده و جوانان پیام‌های بیرونی برآمده از سیاست‌های رسمی خانواده و ازدواج را که از سوی دولت و سایر نهادهای مداخله‌گر اعلام و اعمال می‌شود، ردّ یا تصحیح می‌کنند و فقط آنهایی را که می‌پذیرند دنبال می‌کنند. به همین دلیل مطرح می‌شود که در بعضی از عرصه‌ها بخصوص در عرصه مدیریت زندگی جوانان، خانواده و دولت مسیرهای متفاوت و حتی گاه متعارضی را طی می‌کنند.

جمع‌بندی مطالعات نشان می‌دهد که جوانان و خانواده‌ها در مدیریت ازدواج رفتار بازاندیشانه‌ای را به نمایش می‌گذارند. در این باره می‌توان از نوعی تجددگرایی سنت مآبانه سخن گفت که براساس آن رفتارهای مدرن از طریق ساختارها و روابط سنتی و مشخصاً از طریق خانواده مهار می‌شود. نیز مطرح می‌شود که جوانان و خانواده‌های ایشان به نحوی با هم کنار آمده‌اند. از این منظر خانواده‌ها جنبه‌های مدرن را پذیرفته‌اند و جوانان نیز مدیریت و نظارت خانواده‌ها را در این عرصه قبول کرده‌اند؛ به عنوان مثال، مدیریت انتخاب بر عهده خود فرد و مدیریت فرآیند ازدواج بر عهده خانواده قرار گرفته است. به همین ترتیب مطالعات نشان داده است که فرد و خانواده برای مدیریت ازدواج و ساختن آن با هم هماهنگ می‌شوند. نیز مطرح است که خانواده برای مدیریت مسئله ازدواج و جنبه‌های مدرن به رفتاری گزینشی رو آورده است. بر این مبنا، خانواده برای مدیریت امر ازدواج بعضی از جنبه‌های مدرن را می‌پذیرد و بعضی دیگر را رد می‌کند. مطابق با چنین منظری خانواده در برخورد با تغییرات ناشی از مدرن شدن و در مدیریت آن نظم جدیدی را در روابط با جوانان ایجاد کرده است. در این باره نشان داده شده است که مثلاً جوانان در انتخاب همسر با خانواده مشورت می‌کنند، اما خود انتخاب می‌نمایند.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که این مطالعه به دنبال فهم و نیز ایجاد توصیفاتی پُرمايه^۱ از تعاملات جوانان و خانواده در ساختن و مدیریت ازدواج است و نیز به علت آنکه در جستجوی درک و تفسیر جوانان از نقش خانواده در ازدواج ایشان است، از روش کیفی بهره می‌برد. نیز بدان دلیل که روش کیفی دیدی پذیرا نسبت به جهان تجربه

^۱ thick descriptions

دارد (ن.ک. به فلیک، کاردورف و اشتاینکه^۱، ۲۰۰۴: ۵) و نیز امکان ویژه‌ای را برای دریافت های نظری مبتنی بر تجربه‌های روزمره فراهم می‌آورد به طور خاص در این مطالعه مورد توجه است. مطالعه از انواع روش های تحلیل کیفی به ویژه روش تحلیل کیفی تماتیک^۲ استفاده می‌کند، زیرا فضای کار بیشتری برای محقق در نظر می‌گیرد و دست او را برای ساختن مقولات مختلف و ترکیب آنها بازتر می‌گذارد. ضمن آنکه علاوه بر تجربی بودن، امکان استفاده از دستاوردهای تحقیقاتی پیشین و نیز تفسیرهای نظری مختلف را در موضوع مورد بررسی فراهم می‌آورد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق مصاحبه است، زیرا آن گونه که رولستون مطرح می‌کند با ابزار مصاحبه می‌توان به داده‌های قابل اعتماد (ن.ک. به برینکمان^۳، ۲۰۱۳: ۱۲) و گزارش‌های واقعی^۴ از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان دست یافت (ن. ک. به رولستن^۵، ۲۰۱۴: ۲۹۸). به علاوه، مصاحبه در فرآیند تعامل چهره به چهره لایه‌های عمیق‌تری از تجربه‌های روزمره را منتقل می‌کند و بنابراین بازنمایی کاملی از زندگی روزمره فراهم می‌آورد (ن.ک. به راپلی^۶، ۲۰۰۷: ۱۶).

در شکل مصاحبه نیز مطالعه متکی بر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۷ است، زیرا مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ضمن آنکه متمرکز بر سؤالات و محورهای از پیش تعیین شده برای گفتگو است، به اندازه کافی نیز منعطف می‌باشد و آزادی عمل مناسبی را برای دنبال کردن آن جنبه‌هایی که مهم تشخیص داده می‌شود، ایجاد می‌کند. در مشخص کردن نمونه‌ها نیز دو موضوع رویه‌های انتخاب^۸ و چگونگی انتخاب نمونه‌ها^۹ مورد توجه بود (ن.ک. به راپلی، ۲۰۱۴: ۵۷ و مرکنز^{۱۰}، ۲۰۰۷). بر اساس این دو رویه، متغیرهای سن، جنس، وضع تأهل و طبقه مورد توجه قرار گرفت.

اجرای مصاحبه‌ها در مکان‌های عمومی از جمله پارک‌ها صورت پذیرفت. افرادی که ضوابط رویه‌های انتخاب را تأمین می‌کردند، به مصاحبه دعوت می‌شدند. در صورتی که دعوت به مصاحبه را می‌پذیرفتند، مصاحبه‌ها در فضای پارک یا در دفتر کار انجام می‌شد. نمونه‌گیری و مصاحبه تا جایی که احساس می‌شد

^۱ Flick, U., Kardorff E. V. and Steinke

^۲ thematic

^۳ Brinkmann

^۴ factual

^۵ Roulston

^۶ Rapley

^۷ semi-structured

^۸ selection procedures

^۹ sampling

^{۱۰} Merkens

اطلاعات جدیدی تولید می‌شود، ادامه یافت. بر این اساس تعداد نمونه‌ای که مورد پرسش قرار گرفت، ۲۵ نفر بود که در تحلیل نهایی تنها ۲۱ نفر برای تجزیه و تحلیل در نظر گرفته شد که شامل ۱۰ مرد و ۱۱ زن است.

در تحلیل نیز مطالعه حاضر از شیوه «کدگذاری برآمده از داده‌ها» سود برد که در آن داده‌ها بدون کدهای پیشینی و صرفاً با توجه به خود داده‌ها کدگذاری می‌شوند. در این وضعیت هم کدها و هم مقوله‌ها از خود داده‌ها برمی‌آیند و به گونه‌ای تجربی ایجاد می‌شوند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به دقت واج‌نویسی^۱ و سپس کدگذاری شد. در حین کدگذاری یادداشت‌های تحلیلی نیز بر داده‌ها اضافه شد تا بعداً برای تحلیل بخشی از متن به کار آید. سرانجام داده‌ها بر اساس سه مرحله زیر تجزیه و تحلیل شد:

۱. تقلیل داده‌ها از طریق ایجاد کدها (ن.ک. به رولستن ۲۰۱۴: ۳۰۴)؛
۲. سازماندهی مجدد داده‌ها از طریق ایجاد مقوله‌ها یا ساختن منظومه معانی (ن.ک. به همان)؛
۳. بازنمایی و تفسیر داده‌ها که مبتنی بر تحلیل تمی است. هدف تحلیل تمی، بیرون آوردن تعدادی از تم‌ها و نیز توسعه یک «تم جامع» از داده‌ها یا یک «تم فراگیر» است که تم‌های مختلف را در یک روایت منسجم به هم وصل کند (سالدنا^۲، ۲۰۰۹، ص.ص. ۱۳ و ۱۴).

خانواده، جوانان و ازدواج؛ بررسی شواهد

در مطالعه حاضر در بررسی نقش خانواده در ازدواج جوانان به سه حوزه اصلی ازدواج جوانان که خانواده در آن حضور دارد، نظر می‌شود. سپس بر اساس دریافت‌ها از آن سه حوزه روابط خانواده و جوانان استنتاج می‌شود. حوزه اول به حمایت‌های خانواده از جوانان مربوط می‌شود. حوزه دوم به جنبه‌های مربوط به انتخاب نظر دارد و حوزه سوم دربرگیرنده مسائل مربوط به آشنایی و شناخت در ازدواج است. تراکم روابط خانواده و جوانان در موضوع حمایت از ازدواج بسیار بیشتر از سایر حوزه‌هاست.

خانواده و حمایت از جوانان در ازدواج

۱. مفروض بودن حمایت خانواده

^۱ transcribing

^۲ Saldaña

هر چند حمایت خانواده از فرزندان در ازدواج اجمالاً همیشه مورد تأکید است، اما وجوه و شدت آن در بیان های مختلف اشکال متفاوتی می یابد. در عین حال تأکید بر جنبه های مختلف حمایت های خانواده در بین گروه های اجتماعی مختلف نیز بسیار متفاوت است. در موارد بسیاری به شدت بر جنبه مادی حمایت خانواده از ازدواج جوانان تأکید می شود. دختر بیست و دو ساله مجرد و دانشجوی روانشناسی که در حال تحصیل است و با والدین خود زندگی می کند، در این باره اظهار می دارد:

« ... خودم که باید کار کنم. یه پولی جمع کنم دیگه، ولی بیشترش و پدرم داره کمک می کنه. دیگه اون باید جمع کنه (باخنده) خودم زیاد فکر نکنم بتونم کمکی بکنم. (۹-۹۶)»^۱

اهمیت این وجهه از حمایت خانواده آنچنان معمول و طبیعی قلمداد می شود که دختر دانشجوی ۲۶ ساله مجرد با کار تمام وقت که به صورت مستقل در تهران زندگی می کند به شکل امر مفروض با آن روبرو می شود:

« ... [در مواردی مثل جهیزیه و این جور چیزها] اونا که دیگه خونواده .. آدم باید فکر کنند دیگه من فکر نمی کنم (۱۹-۱۶۴)»

هر چند مفروض بودن این مسئولیت برای خانواده در نزد دختران شدیدتر است، اما مشابه چنین نگاهی در بین پسران نیز مشهود است. حتی مرد سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق دیپلم و با کار خانوادگی در باره حمایت پدرش از ازدواج احتمالی وی اظهار می دارد:

« ... حالا اون بیچاره هم که برای اول... زندگی مشکل نداره الان دیگه پول پیش خونه ام بگیرم خونه فشار بیاریم خونه ام می خره اون خرج اولیهرم می کنه (۱۵-۲۴۰)»

شایان ذکر است مفروض بودن حمایت مادی خانواده از ازدواج فرزندان تا بدان حد است که حتی افرادی از طبقه پایین که به ناتوانی خانواده در حمایت از ازدواج خود اطمینان دارند باز هم در مدیریت ازدواج خود به حمایت های خانوادگی نظر دارند. از جمله پسر جوان بیست و دو ساله کارگر که ضمن پذیرش ناتوانی خود و والدین در تأمین هزینه های ازدواج همچنان به کمک دیگر اعضای خانواده و یا خویشاوندان خود امیدوار است. وی در باره چگونگی تأمین هزینه های ازدواج خود اظهار می دارد:

^۱ در ارجاعات به مصاحبه ها شماره اول مشخص کننده مصاحبه و شماره دوم مشخص کننده پاراگراف است.

«خوب آآآ آیه مقداری از خودم به مقداری از خانواده برادران کمک می کنند. بالاخره آگه ما هم اگر بخوایم ساده بگیریم چه جوری بگم شاید کسی باشه کمک کنه به مقدار مثلاً آبرومندانه تر اینجوری مثلاً کسی باشه که هوامون و داشته باشه شاید تو خانواده (۳-۱۲۹)»

نقش خانواده در تأمین مقدمات ازدواج گاه آنچنان مورد تأکید است که ناتوانی ایشان در تأمین هزینه‌های ازدواج به عنوان بازدارنده مهم ازدواج جوانان تلقی می‌شود. در مواردی تأکید می‌شود که ترس جوان‌ها از ازدواج به دلیل آن است که اگر خانواده به آنها کمک نکند نمی‌توانند از پس مشکلات زندگی و ازدواج برآیند.

۲. حمایت معنوی خانواده از جوانان در ازدواج

همراه با تأکید بر حمایت مادی خانواده از ازدواج جوانان، در موارد بسیاری بر جنبه‌های غیرمادی و حمایت‌های معنوی خانواده‌ها نیز تأکید می‌شود. پسر بیست و هشت ساله مجردی که دانشجوی سینما و در حال تحصیل است در اهمیت حمایت معنوی خانواده از ازدواج احتمالی وی اظهار می‌دارد:

«... مطمئناً خانواده آگه مالی ام من کمک نخواوم حداقل فکری باید کمکم کنن، چون خودشون کوهی از تجربه‌ان مثلاً دو تا پسر... زن دادن، عروس گرفتن. به هر حال خیلی کمکم می‌تونن بکنن. حالا شاید مالی ام کمک نکردن، ولی حداقل می‌گم فکری خیلی می‌تونن دخیل باشن. (۲-۱۶۳)»

مرد متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است در این باره می‌گوید:

«... حمایت هم خوب حالا به طرق مختلفی هم مالی اش هستش هم بالاخره تصمیم‌گیری هستش هم کمک پدر و مادر هستش. به موقع می‌بینی به فرزند شاید وقت ازدواجش خودش نمی‌دونه داره به راهی رو اشتباه می‌ره با ازدواج درست می‌شه و اینو پدر و مادر کما اینکه به سختی هم می‌افتن به کاری می‌کنن که حتی اون بچه ازدواج کنه. کمکش کنن. (۷-۲۸۰)»

۳. مسئولیت بیش از اندازه خانواده در مدیریت گذار به بزرگسالی و ازدواج

خانواده در حالی از جریان ازدواج جوانان حمایت می‌کند که مسئولیت گذار کندروی ایشان را نیز برعهده دارد. این امر باعث شده است که خانواده در ارتباط با سرنوشت فرزندان درگیر مسئولیت دوگانه‌ای شود. از یک سو، از گذار کندروی فرزندان حمایت کند و هزینه‌های تحصیلی آنها را پردازد و از سوی دیگر، ازدواج ایشان را مدیریت کند و فرآیند آن را تسهیل نماید (ن.ک. به بنی‌جمالی: ۱۳۹۶). این امر تحمیل بار

بیش از اندازه به خانواده را سبب شده است، زیرا خانواده از یک طرف باید وظیفه تازه بر دوش نهاده شده گذار کندروی جوانان را مدیریت کند و از طرف دیگر، بار ازدواج جوانان را حمل نماید. این همه در شرایطی است که هسته‌ای شدن خانواده (که لوازم خاص خود را نیاز دارد) مسئولیت های متوجه خانواده را در ازدواج اساساً با شکل سنتی آن غیرقابل مقایسه ساخته است. نتیجه، برعهده گرفتن مسئولیت های ناتوان کننده و در نهایت فرسودگی خانواده است.

مطابق با شرایط فوق در بسیاری موارد، خانواده درخواست ها برای حمایت را تصفیه می کند. به عنوان مثال، بر اساس یافته های مطالعه، حمایت کامل از ازدواج جوانان تنها در مورد دختران - بخصوص در طبقه متوسط - صورت واقع می یابد. زن سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا که دارای کار تمام وقت است، اشاره دارد که مقدمات ازدواج وی مثل جهیزیه و مثل آن عموماً توسط خانواده فراهم گشته و خود وی در آن نقشی نداشته است (۱۳-۲۵۸).

همین تجربه از سوی زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس که کار حق التدریسی دارد نیز گزارش می شود:

« ... ساپورتشون خیلی مهمه؛ یعنی ساپورت چه خانواده پسر چه خانواده دختر اگه نباشه واقعاً ازدواج هیچوقت نمی تونه ازدواج موفق باشه. نقش شون هم خیلی پررنگ بود دیگه سر همین ساپورت هاشون خیلی پررنگ بود ... اینکه مثلاً حالا پدر و مادر خودم جهیزیه بهم دادن جهیزیه کامل از اونور پدر مادرش هزینه ازدواج رو دادن، خونه به ما دادن. اینا خیلی مهم بود. اگه همه اینا رو می خواستیم خودمون بدست بیاریم، خوب خیلی بد می شد دیگه (۲۰-۳۱۳)»

به همین ترتیب مردانی که ازدواج کرده اند، تجربه حمایت کامل از سوی خانواده را در امر ازدواج گزارش نمی کنند. مقایسه تفاوت دیدگاه جوانان در این موضوع نشان می دهد که جنسیت و طبقه، دو عامل تعیین کننده در به فعل درآوردن حمایت خانواده از ازدواج جوانان است. زنان بیشتر بر اهمیت خانواده در ایجاد زمینه ها و لوازم ازدواج تأکید می کنند، در حالی که در مورد مردان تنها اظهار به ضرورت «کمک» خانواده در مدیریت ازدواج مطرح می شود. حتی گاه نسبت به اینکه خانواده توانایی حمایت از ازدواج فرزندان را داشته باشد، تردیدهای بسیاری ابراز می دارند. به علاوه مردان در بیشتر موارد بر ضرورت رسیدن به استقلال در تسهیل ازدواج تأکید می کنند.

۴. ناتوانی خانواده در پیش بردن ازدواج

مطابق با چنین شرایطی علیرغم تأکید بسیاری که نسبت به نقش خانواده در ازدواج فرزندان و بر عهده گرفتن مسئولیت های آن وجود دارد، تردیدهای بسیاری نیز نسبت به توانایی خانواده در به سرانجام رساندن ازدواج مطرح می شود. پسر مجرد ۲۲ ساله کارگر که در تهران به همراه برادر خود زندگی می کند توانایی خانواده خود را در حمایت از ازدواج وی رد می کند (۳-۱۰۸) یا مرد متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است در آنچه که برای خود وی در این باره اتفاق افتاده است می گوید:

«تا حدودی خانواده هم کمک کردند بله، اما خوب خیلی مبلغش کم بود. (۷-۱۵۲)»

این مسئله حتی در باره دخترها هم که تأمین هزینه ازدواج ایشان برای خانواده امری مفروض است، وجود دارد. دختر ۲۴ ساله دانشجوی فوق لیسانس و نیز کارمند شرکت حسابرسی که همزمان به کار تدریس نیز می پردازد، به ناتوانی خانواده در حمایت از ایشان در مسئله ازدواج اشاره می کند:

«حمایت خانواده هامون رو نداریم. خانواده هامون در شرایطی نیستن که اصلاً بتونن واسه ما عروسی بگیرن ... (۲۱-۱۵۱)»

در همین موضوع دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند در یک شرکت خصوصی می گوید:

«... خب برای ازدواج حالا اگه بخوام به فکر تهیه جهیزیه باشم باید روی پول خودم حساب کنم، چون

روی کمک خانواده نمی تونم حساب کنم ... چون به اون صورت پس اندازی ندارند (۱-۸۰ تا ۸۲)»

بررسی برآورد جوانان از قابلیت خانواده در برعهده گرفتن مسئولیت های ازدواج، آشکار می سازد که حمایت خانواده ها در ازدواج، علیرغم پذیرش اصل آن، کمتر صورت واقع می یابد. اعتقاد به ناتوانی خانواده هر چند در بین مردان شایعتر می نماید، اما در بین زنان نیز مشاهده می شود. نکته آنکه جوانان در درک مشکلاتی که خانواده ها در حمایت از ازدواج دارند به فهم همدلانه ای با ایشان رسیده اند. آنها ضمن آنکه خانواده را در تأمین هزینه های ازدواج همراهی می کنند، وقوف خود به مشکلات خانواده را نیز آشکار می سازند.

زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس که کار حق التدریسی دارد همراهی و همدلی جوانان و خانواده را این گونه توصیف می کند:

« ... اگه پسر باشه می ترسه به پدر و مادرش فشار بیاد که حالا می خوان خونه بگیرن برام، می خوان هزینه ازدواج رو بدن. اگرم دختر باشه نگران جهیزیه است، نگران ساپورتهای مالی یه یا اینکه خجالت می کشه دیگه مثلاً می گه من که خواستگار ندارم چرا باید مطرح کنم اینکه می خوام ازدواج کنم (۲۰-۳۹۹)»

نیز دختر سی ساله مجرد و دارای لیسانس ارتباطات که دارای کار است و با والدین خود زندگی می کند در شرح مشکلات خانواده در مدیریت موضوع می گوید:

« ... پدر و مادرا خودشون کاراشون را کردند. بندگان خدا دیگه چقدر زیر بار قرض و قسط و هزینه های عجیب غریب برندن. به نظرم اصلاً منطقی نیست. (۱۰-۱۶۸)»

به همین ترتیب زن ۳۰ ساله کارآفرین که دارای تحصیلات فوق لیسانس مدیریت صنعتی است در باره ناتوانی خانواده ها در حمایت از فرزندان شان می گوید:

«خانواده ها خودشون هزینه دارن. بعضی اوقات نمی تونن بچه هاشون رو ساپورت کنن (۱۸-۳۰۷)»

۵. کم شدن نقش خانواده

ناتوانی خانواده در اداره تحصیل و ازدواج جوانان باعث بر عهده گرفتن نقش بیشتر جوانان در امر ازدواج و آن نیز به نوبه خود سبب تفوق نوعی فردگرایی در مدیریت گذار به بزرگسالی شده است. پسر مجرد کارگر ۲۲ ساله که در تهران به همراه برادر خود زندگی می کند در میزان دخالت خانواده در ازدواج خود می گوید:

« ... خانواده ام زیاد کار ندارند مثلاً اینجوری نیستند که (.) الان من داداش از خودم بزرگتر دارم مثلاً سه چهار تا دارم سن شون ام بالای ۱۱ ازدواج نکردن. خانواده کاری باهاشون نداره می گن می خوام ازدواج کنی می خوام ازدواج نکن. ما دخالت نمی کنیم؛ یعنی نظر اونا زیاد مهم نیست. (۳-۱۰۷)»

زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس که کار حق التدریسی دارد در شرح نقش خانواده در تصمیم گیری ازدواج خود اظهار می دارد:

« ... فکر می کنم خیلی نمی تونستن نقش شون توی تصمیم گیری مهم باشه، چون به جورایی ما تصمیم مون رو گرفته بودیم و بخاطرش هم خیلی تلاش کردیم (۲۰-۳۱۷)»

۶. غالب شدن مسئولیت فرد در مدیریت ازدواج

مطابق با چنین شرایطی و به علت آنکه از سوی جوانان احساس می شود خانواده علی رغم تلاش هایش، ناتوان از مدیریت موضوع است، اعتقاد به نقش خود فرد امری مفروض در راهبری ازدواج شده است. در

این مورد، گرایش قابل توجهی در جوانان نسبت به برعهده گرفتن تمام یا حداقل بخشی از مسئولیت های ازدواج به وجود آمده است. مرد چهل ساله مجردی که کارمند در بخش دولتی و دانشجوی دوره فوق لیسانس است در این باره می گوید:

« ... از خانواده قاعداً کمکی نخواهم گرفت؛ یعنی خرجی یه هزینه‌ای یه که خودم باید انجام بدم ... (۴-۱۷۲) ... پدرم از نظر مالی اینجوری هست که بتونه کمکی بکنه مشکل نداره، ولی من همچین توقعی نداشتم. خودم سعی کردم که خودم کارام و انجام بدم مستقل باشم ... (۴-۲۲۴)»

پسر جوان مجرد بیست و هفت ساله‌ای که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است و با والدین خود در تهران زندگی می‌کند و حتی از نظر طبقاتی در سطح بالایی است تأکید می‌کند:

«به کمک خانواده اصلاً فکر نمی‌کنم ... کاملاً مستقل ... نمی‌شه صددرصد اینجوری بود، ولی تلاشم و می‌کنم. (۱۴-۱۵۵)»

چنین تمایلی به استقلال حتی در بین دختران نیز مشاهده می‌شود. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی رشته داروسازی که در خوابگاه زندگی می‌کند در این باره می‌گوید:

« ... خیلی دوست دارم خودم مستقل باشم ... حالا با این شرایط که برام فراهم هست ولی خیلی دوست ندارم از خانواده یا جامعه کمک بگیرم. (۱۶-۲۰۸) ... خانواده‌ها بیشتر همون درگیر رسم و رسوماتی هستن که حالا جهیزیه را به طور کامل دختر باید فراهم کنه خانواده ... پسر حالا خونه و چیزهای دیگه، ولی من خودم دوست دارم که دختر و پسر خودشون اگه انقدر همدیگه رو دوست دارن از صفر شروع کنن یعنی همه چیز بتونه مشترک باشه با همکاری بدست بیاد. (۱۶-۲۱۴)»

در همین موضوع دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند در یک شرکت خصوصی می‌گوید:

« ... دوست دارم یه تمکن مالی داشته باشم هم بحث جهیزیه است همین که از نظر کاری به یه سطحی برسم به یه حدنصابی برسم که بتونم یه شغل دائم برای خودم داشته باشم (۱-۸۰ تا ۸۲)»

نکته بسیار مهم آن که جوانان ضمن اینکه اذعان می‌دارند بدون کمک خانواده (یا حتی نهادهایی که در این امر مداخله می‌کنند) نخواهند توانست از پس مقدمات ازدواج برآیند، اما در انتساب مسئولیت مقدمات ازدواج و تصمیم‌گیری به خود نیز تردید نمی‌کنند- ضمن اینکه تشکیک های محکمی نیز در توانایی اقدام به چنین امری در ذهن دارند. آنها در حالی مسئولیت مسئله را به گردن می‌گیرند که توانایی تسلط بر موقعیت را نیز ندارند (ن.ک. به بنی‌جمالی: ۱۳۹۶).

۷. ازدواج و مسئله مسئولیت دولت

علیرغم نقشی که جوانان برای خانواده و فرد در شکل دادن به ازدواج قائل اند، مطالعه آشکار می‌سازد آنها بخش مهمی از مسئولیت ازدواج را نیز به دولت منتسب می‌کنند. در نگاه بسیاری از ایشان مسئولیت ازدواج اساساً بر عهده دولت است. دختر ۲۴ ساله مجرد که دانشجوی فوق‌لیسانس و نیز کارمند شرکت حسابرسی است و همزمان به کار تدریس می‌پردازد در این باره می‌گوید:

« ... به نظر من کسی که مسئولیت این قضیه را به عهده داره دولته، چون حمایت خاصی - الان ده میلیون مثلاً حمایت اوج حمایته اصلاً به نظر من خیلی حمایت سطحی‌یه. اول دولته بعد خانواده و خود فرد در درجه دوم (۲۱-۲۹۳)»

مرد متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است اظهار می‌دارد:

« ... دولت هم باید کمک کنه واقعاً از لحاظ مالی بتونه کمک کنه ولی یه شرایطی ایجاد کنه که برای افرادی که فقیرتراند حالا از نظر مالی وضعیت مناسب تری ندارن برا اون افراد یه جایگاهی باشه که بتونه اونهام راحت‌تر مراسماتشون را انجام بدن. (۷-۲۸۷)»

به همین ترتیب زن سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا که دارای کار تمام وقت است در این باره می‌گوید:

« ... دولت به هر حال شرایط مناسب جامعه را باید فراهم کنه مثلاً اشتغال رو به هر حال شرایط اقتصادی رو جوری فراهم کنه که جوون بتونه کار بکنه درآمد داشته باشه و راحت‌تر باشه برایش گذران زندگی و حالا در کنار یه نفر دیگه ... (۱۳-۲۷۵)»

نیز در اهمیت نقش دولت در سامان دادن به ازدواج و زندگی جوانان زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق‌لیسانس که کار حق‌التدریس دارد می‌گوید:

« ... احساس می‌کنم در مرحله اول کشوری‌یه که توش زندگی می‌کنه اینکه چقدر شرایط راحتی‌یو برای یه جوون بوجود آورده که بتونه با فکر راحت تن به ازدواج بده چون ازدواج واقعاً مسئولیت شدیدی داره با خودش ... وقتی کشور محیط آرومی داشته باشه وقتی از نظر تحصیلات من آینده مطمئنی داشته باشم || خوب قطعاً ... ازدواج می‌کنم ولی اگر همه اینها نباشه نه مثلاً خانواده یه نفر چکار از دستشون برمی‌آد اونا هم تو همین جامعه رشد کردن (۲۰-۳۷۹ تا ۳۸۳)»

آشنایی و انتخاب: خانواده در مرکز مناقشه ازدواج سنتی و مدرن

خانواده در مرکز مناقشه ازدواج سنتی و مدرن است. به بیان دیگر، ازدواج سنتی و مدرن دو سر طیفی است که هر یک از آنها براساس اندازه نقش خانواده در ازدواج تعیین می‌شود. مرد در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه که دارای مدرک لیسانس است تفاوت ازدواج سنتی و مدرن را اینگونه شرح می‌دهد:

«... از نظر ... من ... یعنی ... حالا این کیس رو خودش انتخاب کنه و از فیلترهای خودش رد بشه یا اینکه نه خانواده انتخاب کنه و از فیلترهای خانواده رد بشه. (۱۱-۱۴۰)»

تأکید بسیار بر انتخاب در ازدواج از سوی جوانان گواه آن است که مهمترین جنبه ازدواج از نگاه ایشان انتخاب است. ضمن اینکه تحقیق آشکار می‌سازد که رویه‌های مختلف رویکرد جوانان به موضوع انتخاب نیز بسیار متنوع است. موارد مختلف مصاحبه‌ها آشکار می‌سازد که گستره انتخاب همسر از سوی جوانان تحت تأثیر مسئله سنتی و مدرن بین دو قطب «نقش همه‌جانبه فرد» و «نقش همه‌جانبه خانواده» متغیر است. این مسئله در مورد جنبه‌های مختلف ازدواج چون معرفی، انتخاب، آشنایی و شناخت وجود دارد. در هر یک از وجوه فوق، نقش خانواده سبب تمایز یافتن نوع برخورد فرد با مسئله ازدواج می‌شود. بدین ترتیب چگونگی تعامل جوانان با خانواده انواع رویه‌های ایشان را در مواجهه با مسئله ازدواج می‌آفریند. اهم رویه‌های فوق در پی می‌آید.

۱. خانواده به عنوان تعیین‌کننده ازدواج همراه با تأکید بر نقش خود در انتخاب

در مواردی موضوع انتخاب همسر کاملاً به خانواده سپرده می‌شود. مرد سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم اولویت دادن به انتخاب خانواده را این گونه شرح می‌دهد و مشروعیت می‌بخشد:

«خانواده ... انتخاب بکنه. بالاخره اونا چیزهایی رو می‌بینند که من نمی‌بینم. صددرصد اونا می‌یان به دختری پیدا می‌کنن که فردا زندگی بکنه ... بالاخره خانواده بهتر می‌تونه کیس مناسب‌تری پیدا کنه تا خود من ... آره خانواده بهتره خانواده بهتره. (۱۵-۱۹۶)»

در این مورد و موارد مشابه علیرغم آنکه تکیه اصلی فرد بر دخالت خانواده در ازدواج است، اما آشکارا در نهایت این نگاه وجود دارد که خود وی انتخاب می‌کند و نقش خانواده محدود به معرفی و تسهیل فرآیند ازدواج است. این بدان معناست که تنها فرآیند انتخاب است (معرفی، خواستگاری، مراسم) که سنتی باقی مانده و گرنه محتوای انتخاب تغییر یافته و در آن به طور آشکاری خود فرد در مقام تصمیم‌گیرنده ظاهر شده است. در این مورد به عنوان مثال حتی فرد متأهل که زوج مناسب وی را خانواده معرفی کرده و معرفی فوق به ازدواج نیز انجامیده است تأکید دارد که خود انتخاب کرده است:

«همسر من انتخاب اصلاً خانواده بود در مرحله اول خانواده انتخاب کردند بعد به من پیشنهاد دادند بله بنده هم >حالا بعد از اینکه یه مدتی گذشت و شناخت و حالا یه کم شناخت اولیه بوجود آمد حالا راضی بودم از انتخابم» (۷-۱۲۶)

می‌توان چنین تأکیدی را بر انتخاب، حتی در موقعیت ازدواج سنتی، به اهمیت عاملیت در مدیریت ازدواج و در تعامل بین خانواده و فرد منتسب کرد (همان). نیز می‌توان گفت پاسخگویان علی‌رغم اشارات متفاوتی که به رویه‌های سنتی و مدرن دارند معتقدند انتخاب زوج از سوی فرد در هر دو شیوه سنتی و مدرن امر مفروض ازدواج است. مطابق با چنین نگاهی، آنها خود را به طور مشخص در مقوله سنتی یا مدرن جای نمی‌دهند، بلکه در این باره بیشتر به ترکیبی از سنتی بودن و یا مدرن بودن می‌اندیشند. در عین حال علی‌رغم آنکه عاملیت افراد به عنوان مهمترین جنبه انتخاب مدرن مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما ایشان عاملیت خویش را به رضایت خانواده‌ها پیوند می‌زنند و این بیانگر آن است که هنوز نقش خانواده در امر ازدواج تعیین‌کننده است.

۲. تعلیق بین دو شیوه مدرن و سنتی

در مواردی جوانان در موضوع انتخاب همسر و اندازه نقش خانواده در آن با نوعی تعلیق در تصمیم‌گیری در بین دو شیوه سنتی و مدرن روبرو هستند. در چنین تعلیقی اگرچه فرد بر حق انتخاب خود تأکید می‌کند، اما نه تنها نقش خانواده را رد نمی‌کند که حتی گاه در انتخاب آخر نظر خانواده را معیار می‌گیرد و بنابراین با خانواده همراهی می‌کند. دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند در یک شرکت خصوصی ابتدا بر شیوه سنتی ازدواج تأکید می‌کند و در این باره می‌گوید:

«... من به عنوان کسی که تجربه‌داره تو این مسائل ... سیستم جامعه ما هنوز به اون صورتی هست که آدم‌ها معرفی کنند مورد ازدواج رو خیلی بهتره یا فامیل یا دوستان یا همکارا چون اینجوری حالا به خاطر اینکه یه مقدار هم آدمای جامعه ما به همدیگه بی اعتمادن ... اگر کسی معرفی کنه این وسط واسطه بشه اون اعتماد اولیه شکل می‌گیره یعنی با آرامش بیشتری آدمها تن به آشنایی می‌دن ... (۱-۱۱۸)»

این در حالی است که وی بعداً در جریان مصاحبه بر ترجیح ازدواج مدرن تأکید می‌کند:

«خب اِ من اگر سنم پایین‌تر بود مطمئناً به روش سنتی ازدواج می‌کردم، ولی چون الان دیگه بالاخره خودم از نظر مالی مستقل هستم خودم دارم بار زندگی ام رو به دوش می‌کشم. حالا ممکنه که همچنان در کنار خانواده‌ام باشم ولی هم از نظر فکری هم از نظر مالی به استقلال رسیدم خونواده‌ام انتخاب و به عهده خودم

گذاشتند یعنی این دیگه دخالت نمی کنند ضمن اینکه خب تو سن بالا هم کلاً نه میشه کسی را زور کرد نه می شه !! چیزی را به کسی القا کرد فکری را. (۱-۱۳۰ تا ۱۳۴)»

وی علیرغم آنکه می خواهد انتخاب خودش را داشته باشد، اما از طرف دیگر نمی خواهد خلاف نظر خانواده رفتار کند و بنابراین در انتخاب آخر مرددانه با خانواده همراهی می کند:

« ... نظر خانواده خودم خیلی برام مهمتره بعد خب من یک عمره که دارم با خانواده ام زندگی می کنم برام مهمه که اونا چه نظری داشته باشند از این به بعد هم می خواهم داشته باشم یعنی ترجیح میدم که نظر اونا ملاک هست واسه من (۱-۱۷۴)»

پسر جوان بیست و پنج ساله مجرد که دارای مدرک لیسانس برق و در حال خدمت سربازی است علیرغم اینکه بر شیوه سنتی انتخاب صحه می گذارد، اما شیوه مدرن انتخاب را نیز نه تنها رد نمی کند که حتی آن را تأیید می کند:

« ... باز به نظر من (۵) خانواده به قول معروف معرفی کنه بهتره نسبت به کسی که بخواد تو خیابون کسی رو پیدا کنه ... به نظر من (۲) دختر خوب حالا حتماً می گم تو خانواده ها نیست که مثلاً این جور این خانواده بیاد برای اون تهیه کنه. دختر خوب هم تو فضای مجازی هست هم تو خیابون هست هم به قول معروف هم تو صف نونوایی هست هم این ور هست ولی همون شناخت اولیه ای که به قول معروف تو خانواده ها تو شش ماه یکسال اولیه ای که با همدیگه دارن این خودش می تونه همه چیز و به قول معروف نشون بده ... (۸-۱۳۲ تا ۱۳۴)»

و یا دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در رشته داروسازی در این باره شرح می دهد:

«... نمی دونم شاید حالا ازدواج سنتی هم بتونه خوب باشه، ولی من خیلی برام مهمه که اول شناخت پیدا کنم بعدش وارد یه تعهد بشم ولی حالا اینکه بخوام مثلاً یه مدت هم دوست بشم باز این رو هم می ترسم یه ذره. (۱۶-۱۲۶)»

۳. ترکیب شیوه های سنتی و مدرن در امر انتخاب

رویه دیگر رودرویی جوانان در مدیریت انتخاب و حل تعارض بین خود و خانواده تأکید بر حق انتخاب خود و همزمان بهره بردن از امکانات خانواده و لاجرم پذیرش مدیریت آنها بر بخشی از فرآیند ازدواج است. دختر ۲۶ ساله مجرد و دانشجوی فوق لیسانس با کار تمام وقت در شرح تسلط مسئله انتخاب در شرایط ازدواج سنتی و مدرن اظهار می دارد:

« ... با سنتی موافق نیستم بخاطر اینکه من توی جامعه سنتی کاملاً سنتی بزرگ نشدم ... حداقل می‌تونم معیارهامو خودم تعریف کنم و براساس اونایم مثلاً به نفر و انتخاب کنم که بتونم به زندگی نیمه سنتی داشته باشم و به خاطر همین من زندگی مدرن رو ترجیح نمی‌دم بخاطر همون قضیه جامعه سنتی به که نمی‌تونم چشم پوشی اش بکنم که توی به جامعه سنتی بزرگ شدم ... تأیید نهایی رو اونایم (خانواده) باید بدن ... خوب تا تأیید نکنن به نظرم ازدواج خوبی نمی‌تونه باشه. (۱۹-۱۸۸)»

در ترکیب بین سنتی و مدرن، جوانان علیرغم در اختیار گرفتن تمام حق انتخاب در ازدواج، در اندازه حقی که به خانواده می‌دهند دیدگاه‌های مختلفی را ابراز می‌دارند. این دیدگاه‌ها می‌تواند شامل نقشی حاشیه‌ای در انتخاب، نقشی نظارتی در کنش ازدواج و نیز نقشی حمایتی در ازدواج باشد.

موارد متنوع تأکید بر نقش خود فرد در انتخاب و همزمان تأکید بر نقش خانواده در نظارت بر آشنایی، سازمان دادن به جریان ازدواج و حمایت مادی و معنوی از آن آشکارا مؤید باقی ماندن خانواده در فرآیند ازدواج است. این امر را می‌توان نشانه باقی ماندن سنت در متن زندگی مدرن دانست که در آن خانواده مجبور است علیرغم مشکلات به تدبیر امور ازدواج جوانان خود پردازد. راهبرد جوانان در این رویه، بهره‌برداری از امکانات فضای سنتی و مدرن با هم است. از طرفی خود انتخاب می‌کنند و از طرفی مسئولیت اجرا و تأمین مالی ازدواج و حتی تا حدودی مسئولیت تأیید ازدواج را متوجه خانواده می‌سازند. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در این باره شرح می‌دهد:

« ... فکر می‌کنم به چیز میانه باشه بهتره؛ یعنی خیلی مدرن حالا اینجور هم نه که چند سال با هم آشنا بشن یا نه نمی‌دونم فکر می‌کنم با حضور خانواده باشه اینجور فکر می‌کنم بهتر باشه. ... (۱۶-۱۲۲)».

۴. مدیریت مسئله انتخاب معطوف به موقعیت

نگاه بازاندیشانه‌تر در مدیریت جریان انتخاب مربوط به رویه‌ای است که در آن علیرغم داشتن نگاه مدرن و تأکیدی که بر نقش فرد می‌شود، مسئله ازدواج به زمان خود و به آنچه که پیش خواهد آمد احاله می‌شود و اینکه در آن زمان با بررسی موقعیت به تناسب وضعیت عمل خواهد شد. راهبرد عمل به تناسب موقعیت، وجهی کاملاً فعال و بازاندیشانه دارد و بسیار متفاوت از واگذاری امور به تقدیر (هر چه پیش آید) است. در این حالت نقش خانواده به تناسب موقعیت متفاوت، ولی به هر حال در جایی که لازم است فعالانه خواهد بود. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در رشته داروسازی در این باره می‌گوید:

«چیزی که خودم دوست دارم یعنی یه جورى پیش بینی می کنم و دوست دارم اینه که خوب در اطراف خودم باشه خودمون بیشتر آشنا بشیم نه اینکه حالا کسی واسطه بشه مثلاً مثل ازدواج های سنتی باشه خیلی ولی خوب اونها هم نمی دونم حالا بستگی داره آدم موقعیت اش پیش می آد بررسی می کنه ببینه شایدم اونطوری بشه. (۱۶-۱۱۴)»

مدیریت آشنایی و شناخت

براساس مصاحبه ها می توان نقش خانواده در مدیریت آشنایی و شناخت در ازدواج را با دو رویه مهم مرتبط ساخت که البته تا حدودی متناظر با رویکردهای ازدواج سنتی و مدرن است. این دو رویه شامل رویه های خواستگاری و دوستی است. در خواستگاری آشنایی، شناخت و تصمیم گیری برای ازدواج متکی به رویه ای سنتی با محوریت خانواده است، در حالی که در رویه دیگر شناخت و تصمیم گیری برای ازدواج وابسته به رویه های فردی و روابط دوستانه ای است که قبل از ازدواج پیش آمده است. جوانان در این زمینه تمایل دارند تا از ظرفیت های خواستگاری و دوستی به صورت همزمان بهره بگیرند.

ترکیب بهره برداری از امکان آشنایی در فضاهای مدرن و ظرفیت های خواستگاری

تقریباً تمامی افراد در برابر دو رویه خواستگاری و دوستی به ترکیب موقعیت ها روی می آورند و ضمن پذیرش آشنایی مدرن، ادامه آشنایی را با اطلاع خانواده پی می گیرند. به همین دلیل پس از آشنایی مدرن و رسیدن به تصمیم به ازدواج در جهت برخورداری از حمایت های خانواده بر خواستگاری و فرآیند سنتی تأکید می کنند. براساس چنین راهبردی حتی اگر آشنایی در محیط مدرن صورت پذیرد، ادامه آشنایی و شناخت متقابل با اطلاع والدین و یا حتی تحت نظارت آنها ادامه خواهد یافت. از این جهت وابستگی به خانواده موجب می شود تا رضایت خانواده به یک امر محوری تبدیل شود. به بیان دیگر، از آنجا که عدم رضایت خانواده ممکن است در آینده برای جوانان خساراتی به بار آورد، آنها به عنوان کنشگران عقلانی توأمان هم بر عاملیت فردی و هم بر جنبه های سنتی تأکید می کنند. در چنین شرایطی عنصر مورد نظر پاسخگویان از ازدواج مدرن عمدتاً توجه به عاملیت آنها در موضوع انتخاب است. آنها می خواهند انتخاب مطابق میل آنها باشد، اما در عین حال ازدواج مطابق رویه ها و آیین های سنتی صورت پذیرد تا کماکان از حمایت خانواده برخوردار بمانند. زن ۲۴ ساله در حال تحصیل در مقطع فوق لیسانس که به صورت تمام وقت نیز کار می کند در طرح ترکیب بین ظرفیت های مدرن و سنتی می گوید:

«اینکه کسی بهم معرفی کنه رو که اصلاً دوست ندارم، چون فکر می‌کنم کسی که معرفی می‌کنه خیلی چیزها را از من نمی‌دونه ... فکر می‌کنم که قطعاً خود یه فرد باید به این نتیجه برسه که اون مثلاً اون آقا یا خانم مناسب منه ... ازدواج سنتی رو قبول دارم‌ها، ولی می‌گم اون باید اون حس مشترکه در دو نفر ایجاد بشه اولین اقدامشون یه اقدام سنتی باشه به اسم خواستگاری ولی اون حسه نمی‌دونم اون دیدنه باید بین خود اون دو نفر صورت بگیره چون جامعه ما دیگه جامعه‌ای نیست که مثلاً مادری بشینه واسه پسر انتخاب کنه یا مادری واسه دختر انتخاب کنه. (۲۱-۱۶۱)»

وی در این باره شرح می‌دهد:

«... من همینجور که توضیح دادم حد وسطاش رو قبول دارم؛ یعنی با یه اتفاق مدرن شروع بشه و با یه اتفاق سنتی کنترل بشه. اِ تلقی‌ام از مدرن اتفاقی‌یه که داریم می‌بینیم خیلی راحت خیلی بچه‌گانه فکر می‌کنن که هم رو دوست دارن خیلی طولش می‌دن. ده پونزده سال من دیدم مثلاً با هم هستن می‌گن خانواده‌هامونم در جریان‌اند اما هیچ اتفاقی نمی‌افته خانواده‌ها اصلاً حمایت نمی‌کنند که آقا این دو نفر همو دوست دارند. بعد از تکراری شدن و عادی شدن مثل همدیگه به این نتیجه می‌رسن خوب اصلاً به درد هم نمی‌خوردن یعنی کاملاً بدون کنترل اینکه مدرنش می‌شه. سنتی صرفاش این می‌شه که مادر من بیاد بگه یه آقایی هست خیلی خوبه شما با این ازدواج کن که اونم انتخاب مادر پدرت می‌شه. به نظر من تعدیلش باید بکنن؛ یعنی با یه اتفاق مدرن شروع بشه و با دید خانواده‌ها کنترل بشه تلفیق این دو تا (۵) بعد ... اگر قرار به انتخاب بین مدرن و سنتی باشه قطعاً سنتی رو انتخاب می‌کنم. (۲۱-۱۷۵)»

در این روایت، فرآیند جریان یافتن ازدواج هم شامل «خواستگاری- آشنایی تحت نظارت خانواده- تصمیم به ازدواج» و هم دربرگیرنده «آشنایی- اطلاع به خانواده- شناخت تحت نظارت خانواده- تصمیم به ازدواج- خواستگاری» خواهد بود. نکته آنکه در هر دو رویه حضور خانواده پر قدرت است. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در رشته داروسازی در شرح این موضوع می‌گوید:

«ترجیح می‌دم آره اونجوری بهتر باشه؛ یعنی حالا از هر طریق باشه دوست دارم به شناخت همدیگه برسن دو نفر ... یه مدت زیادی حالا شاید اسمش نامزدی باشه که ... یه مدت حالا آشنا بشن بعدش به خانواده‌ها اطلاع بدن باز هم آشنا بشن و بعد چون نمی‌تونم اصلاً مثل خیلی‌ها یه تعهدی اول داشته باشن بعدش همدیگه رو بشناسن فکر می‌کنم اونجوری سخت باشه. ... مثلاً فرض کنید یه مدت مثلاً یک نفر مثلاً یه خانمی با یه آقایی آشنا بشن بعدش حالا اگه فکر کردن که حالا ممکنه به درد هم بخورن بعداً به خانواده‌ها

اطلاع بدن باز هم آشنایی بیشتر بشه و اگر با حضور خانواده یعنی خانواده ها با هم خوب بودن آگهی بودن و خودشون هم حس کردن که می تونن ادامه بدن با هم اون موقع می تونن به ازدواج فکر کنن. ... (۱۶-۱۱۶ تا (۱۲۶))

بدین ترتیب مطابق با چنین رویه‌ای، بدون دادن تعهدی به طرف مقابل از حیث ختم شدن مسئله به ازدواج، شناخت از طریق روابط کنترل شده زیر نظر خانواده صورت می‌پذیرد و بنابراین جریان ازدواج به اراده خود و زیر نظر خانواده پیش می‌رود. بکارگیری چنین رویه‌ای البته همیشه همشکل نیست، بلکه متناسب با دریافت هایی که هر فرد از موقعیت خود دارد، اشکال متفاوت می‌یابد؛ مثلاً در موقعیت هایی فرآیند شناخت و آشنایی بسیار طولانی و گاهی نیز کوتاه می‌شود. زن ۲۴ ساله در حال تحصیل در مقطع فوق لیسانس که به صورت تمام وقت نیز کار می‌کند اگرچه معتقد به انتخاب فرد تحت نظارت خانواده است، اما مدیریت جریان آشنایی و شناخت را موکول به دوره‌ای بسیار کوتاه می‌گرداند؛ زیرا معتقد است طولانی شدن این دوره باعث وابسته شدن ایشان و بنابراین مخدوش شدن جریان ازدواج می‌شود. شرح ایشان در این باره اینگونه است:

«اون شناخت اولیه فکر می‌کنم مثلاً تو حالا محیط کار فکر می‌کنم اولاً که یه کم شرایطها رو می‌شه همینجور به ظاهر سنجید یعنی از لحاظ ظاهری می‌شه یه کم شرایطها را سنجید که این خانم یا این آقا اصلاً به من می‌آد یا نه. همون طرز صحبت کردن طرز برخوردشون با ارباب رجوع از این لحاظها یه کم می‌شه متوجه شد. بعد اگر قراره خواستگاری صورت بگیره و مثلاً یه آقا می‌آد به یه خانم می‌گه که من از شما خوشم آمده. اشکال نداره به نظر من خوبه مثلاً حتی دو سه تا برخورد برن بیرون، ولی بیشتر از این نشه ... که به سرعت وابسته می‌شن و این اتفاق بدی یه ... خیلی اتفاق بدی و یه ضربه بزرگیه که شما با کسی آشنا شی و به اش وابسته شی که قرار نیست که اصلاً ازدواجی صورت بگیره؛ یعنی به نظرم کافیه دو سه تا برخورد یا حتی چهار پنج تا، دیگه بیشتر از این طولش ندن و وارد یه خواستگاری سنتی بشن که خانواده‌ها در جریان باشن و می‌گم که این تفهیم بشه که قرار نیست صددرصد جواب مثبت گرفته شه. شناخته صورت بگیره بعد وارد مرحله عقد بشن. (۲۱-۱۷۳)»

مواردی نیز وجود دارد که نقش خانواده در شیوه انتخاب محدودتر تعریف و تنها به پس از خواستگاری منحصر می‌شود. در این صورت پس از طی فرآیند شناخت- که البته زیر نظر خانواده‌ها خواهد بود- زمانی

که فرد از حیث اینکه انتخاب درستی داشته است، به قطعیت می‌رسد و وارد فرآیند خواستگاری می‌شود. دختر بیست و دو ساله مجرد و دانشجوی روانشناسی در این باره اظهار می‌دارد:

«من یه سری ملاک‌ها دارم دیگه زمانی هم که قبل از آشنایی یعنی خواستگاری مسلماً من باهاش آشنا شدم تا حدود زیادی دیگه اون موقع فکر نکنم تو جلسه خواستگاری شاید مادرها پدرها باید آشنا شن با همدیگه ... (۹-۹۴)»

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده، مهمترین پایه حمایت از جوانان در تحصیل و ازدواج است؛ ضمن آنکه در مقابله با عدم قطعیت موجود در زندگی ایشان نیز یگانه میدان‌دار و مهمترین نقطه ارجاع است. در همین حال نبود سیاست رفاهی روشن از سوی دولت در حمایت از جوانان و نیز شانه خالی کردن آن از مسئولیت‌هایی مثل آموزش و آموزش عالی باعث شده است تا خانواده مسئولیت‌هایی بیش از حد توان در مدیریت گذار به بزرگسالی بر عهده گیرد. این در حالی است که خانواده منابع لازم برای حمایت جوانان را در اختیار ندارد و بنابراین توانایی آن را نمی‌یابد تا به شکل مناسبی به مدیریت وقایع خاص در زندگی ایشان مثل ازدواج بپردازد. مطابق با چنین شرایطی، محتمل است خانواده با برعهده داشتن مسئولیت بیش از اندازه در گذار به بزرگسالی جوانان در معرض فرسودگی آشکار قرار گیرد. نتیجه آن، بروز نوعی ابهام در نقش خانواده در گذار به بزرگسالی جوانان و نیز نوعی عدم قطعیت در ازدواج ایشان است.

در شرایط فرسودگی خانواده، بخصوص در طبقات پایین، جوانان به اجبار خود را درگیر راهبری همزمان تحصیل، اشتغال، استقلال و ازدواج می‌یابند. این وضعیت ضمن آنکه آنها را مجبور می‌سازد وظایفی بیش از حد توان خود برعهده گیرند، این احساس را نیز در ایشان به وجود می‌آورد که خود دارند سرنوشت خویش را می‌سازند. محتمل است با این شرایط جوانان شکست در برنامه‌های گذار را به ناتوانی خود تعبیر کنند و از این بابت دچار نوعی فردگرایی آمیخته با احساس ناتوانی در مدیریت زندگی شوند. این امر واقعیتی است که مورد اشاره جامعه‌شناسان مختلف از جمله فرلانگ و کارتمل (۲۰۰۷) و فرلانگ (۲۰۰۹) در مفهوم خطای شناختی مدرنیته متأخر است.

اما در فرآیند ازدواج، جوانان در رودررویی با مشکلات با ترکیب حق انتخاب خود و همزمان سود بردن از حمایت خانواده، رفتاری عملگرایانه و منعطف از مدیریت ازدواج را به نمایش می‌گذارند. در این باره آنها علیرغم رویه‌های متفاوتی که در تعامل با خانواده در موضوع انتخاب، آشنایی و شناخت پیش می‌گیرند،

عموماً به ترکیب رویه‌های خواستگاری و دوستی قبل از ازدواج روی می‌آورند و ضمن تصریح نقش خود در انتخاب، بر نقش خانواده در نظارت بر آشنایی و البته سازمان دادن به جریان ازدواج و حمایت مادی و معنوی از آن نیز تأکید می‌کنند. به همین دلیل است که پس از آشنایی مدرن و تصمیم به ازدواج در جهت برخورداری از حمایت‌های خانواده بر خواستگاری و فرآیند سنتی تأکید می‌کنند. بدین ترتیب، در مدیریت گذار جوانان روابط جدیدی بین فرزندان و خانواده‌ها شکل می‌گیرد که مطابق آن خانواده‌ها با خواسته‌های جوانان کنار می‌آیند و استقلال و فردگرایی آنها را در آشنایی و انتخاب می‌پذیرند، اما حمایت خود را نیز از آنها همچنان حفظ می‌کنند. این به معنای به رسمیت شناختن فردگرایی جوانان همراه با ادامه حمایت از آنها و یا «فضای جدید همراه با ادامه وظایف قدیم» در عرصه ازدواج است. سوی دیگر این امر، باقی ماندن خانواده در فرآیند ازدواج مدرن و همین‌طور باقی ماندن سنت در متن زندگی مدرن و یا مدیریت سنتی امر مدرن است.

گرفتن موضعی بازاندیشانه در مدیریت ازدواج از سوی خانواده‌ها و جوانان، روی دیگر مدیریت فرآیند ازدواج جوانان است. هم خانواده‌ها و هم جوانان در مدیریت ازدواج بسته به موقعیت، رویه‌های منعطف و متفاوتی از مدیریت موضوع را می‌آفرینند. رفتار بازاندیشانه، نشانه شرایط جدیدی است که در آن جریان‌های دائمی از درهم‌ریختن و شکل‌یافتن مجدد به وجود می‌آید. با تعمیق چنین تحولاتی، رفتار خانواده‌ها و جوانان در تعامل با یکدیگر منعطف، بازاندیشانه و عملگرایانه می‌شود و عمدتاً با جهت‌گیری پیگیری منافع جوانان دنبال می‌گردد. این بدان معناست که معمولاً خانواده‌ها به نفع جوانان در پیگیری گذار از خواست‌های خود درمی‌گذرند و برای حمایت از جوانان تمام منابع خود را به کار می‌گیرند. به همین دلیل است که خانواده، مهمترین نقطه اتکای جوانان در جهان جدید می‌شود. شایان ذکر است این امر در مورد طبقات پایین که منابع کمتری برای حمایت دارند مصداق کمتری می‌یابد. نتیجه آنکه در مدیریت گذار و ازدواج روابط خانواده با جوانان منعطف گشته و بر پایه تعامل تنظیم می‌شود. آنها با خواسته‌های جوانان کنار می‌آیند و استقلال و فردگرایی ایشان را می‌پذیرند و همچنان از آنها حمایت می‌کنند، اما چگونگی ازدواج آنها را نیز تعیین می‌کنند. بر این اساس شاید بتوان گفت نوعی فردگرایی ساختاریافته و یا فردگرایی مهارشده در زندگی جوانان در حال توسعه یافتن است که مطابق آن، علیرغم آنکه زندگی جوانان همچنان تحت تأثیر عوامل ساختاری مثل خانواده، طبقه و جنسیت باقی می‌ماند، اما فردگرایی بازاندیشانه نیز وجه مهم گذار به بزرگسالی می‌شود.

مجموعه آنچه مطرح شد مطالعه حاضر را بدان دریافت می‌رساند که خانواده و جوانان در مدیریت ازدواج نه تنها در مقابل هم قرار نمی‌گیرند، بلکه حتی به نحوی با هم کنار می‌آیند. در این باره هر چند به نظر می‌رسد که خانواده‌ها معمولاً منعطف ظاهر می‌شوند، اما شرایط سخت برای جوانان و فقدان ساختارهای حمایت‌کننده و چارچوب محافظه‌کار نظام رفاهی نیز باعث می‌شود تا آنها مجبور به کنار آمدن با خانواده گردند. با توجه به تحولات فوق می‌توان از پدید آمدن نوعی مدرنیته بازاندیشانه - که البته بسیار متفاوت از مدرنیته دوم یا مدرنیته متأخر مورد نظر بک است - نیز سخن گفت که در آن وضعیت مدرن با شرایط بومی ترکیب می‌شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و ظهیری‌نیا، مصطفی. (۱۳۸۹). «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده». فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۶(۲۳).
- آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر. (۱۳۸۶). «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان». مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ۳۰.
- بنی‌جمالی، سید محسن. (۱۳۸۰). جوانان و ازدواج، آرمان‌ها، امیدها و واقعیت‌ها. اداره کل مطالعات راهبردی، سازمان ملی جوانان.
- بنی‌جمالی، سید محسن. (۱۳۸۱). جوانان و موانع ازدواج. اداره کل مطالعات راهبردی. سازمان ملی جوانان.
- بنی‌جمالی، سید محسن؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ آزاد ارمکی، تقی و حسینی، سید حسن. (۱۳۹۶). «ازدواج و گذار به بزرگسالی در شرایط نامتعین: مدیریت و راهبری ازدواج توسط جوانان: مورد مطالعه شهر تهران». رساله دکتری تخصصی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جلایی‌پور، حمیدرضا و گرامیان نیک، محمد. (۱۳۹۰). «نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی، ارزیابی مفهوم رابطه ناب‌گیدنز». دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۸(۱). ۱۹-۵۲.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا و لولآ‌آور، منصوره. (۱۳۹۲). «نگرش جامعه‌شناختی بر تاثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران». زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان). ۵(۲). ۱۸۳-۱۹۸.
- حسینی، حسن و عزیزی، مینا. (۱۳۹۵). «بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران». مطالعات زن و خانواده. ۴(۱). ۳۴-۷.
- حقیقی‌زاده، محمدحسین؛ کرمی، خدابخش و سلطانی، تینوش. (۱۳۸۹). «معیارهای گزینش همسر از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز». فصلنامه علمی-پژوهشی علوم بهداشتی. ۲(۲).
- دلخوش، محمدتقی. (۱۳۸۵). ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. سازمان ملی جوانان. معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی.

- دلخوش، محمدتقی. (۱۳۸۸). «سلسله مراتب ارزش های ازدواج در جوانان ایرانی». فصلنامه خانواده پژوهی. ۵(۱۸)، ۲۳۰-۲۰۷.
- دلخوش، محمدتقی. (۱۳۹۲). «بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی». روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). ۹(۳۶)، ۳۳۱-۳۵۰.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۸). «فرهنگ گذار و الزامات آن برای روابط بین نسلی». پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه (جوان و مناسبات نسلی). شماره ۲.
- ساروخانی، باقر و مقربیان، مریم. (۱۳۹۰). «تجددگرایی و همسرگزینی؛ تحقیقی مقایسه‌ای در بین زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران». مطالعات فرهنگ، ارتباطات. ۱۲(۱۵) ۴۳-۷۶.
- صادقی فسایی، سهیلا و شریفی ساعی، محمدحسین. (۱۳۹۳). «تقابل سنت و مدرنیته؛ کشمکش‌های گفتمانی در الگوهای بازنمایی تحلیلی بر شیوه‌های بازنمایی روابط دختر و پسر در سریال‌های ایرانی». زن در فرهنگ و هنر. ۶(۱)، ۹۵-۱۱۸.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه‌شناختی تاثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی». زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان). ۵(۱)، ۶۱-۸۲.
- قانع‌راد، محمد امین و عزلتی مقدم، فاطمه. (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج». مسائل اجتماعی ایران. ۱(۱).
- کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۸۸). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی». فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۱۳(۲).
- مهدوی، محمد صادق و مشیدی، شهرزاد. (۱۳۸۹). «تحول معیارهای همسرگزینی جوانان نسبت به والدینشان به تفکیک خاستگاه طبقاتی». مطالعات توسعه اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی معاصر سابق). ۲(۴).
- میرباقری، زهرا و ابراهیمی، مرضیه. (۱۳۹۲). «بررسی میزان هنجارشکنی ازدواج و علل مؤثر بر آن». فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۳(۷)، ۳۳۹-۳۵۸.

- هاشمی و همکاران. (۱۳۸۹). ملاک‌های همسرگزینی در جامعه معاصر ایران و بررسی تحولات آینده و پیامدهای آن. سازمان ملی جوانان
- هاشمی، سید ضیاء؛ فولادیان، مجید و فاطمی امین، زینب. (۱۳۹۳). «بررسی تجربی دو نظریه رقیب همسرگزینی در ایران». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۴، ۱۵۷-۱۸۷.
- Blossfeld, H. & Hofmeister, H. (۲۰۰۵). **Globalife: Life Courses in the Globalization Process**. Final Report ۱ September ۱۹۹۹-۲۸ February ۲۰۰۵. Bamberg Germany: Otto Friedrich University of Bamberg
- Blossfeld, H., and Mills, M. (۲۰۱۰). “**How Does Globalization Affect the Life Courses of Young Men and Women in Modern Societies?**”. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts ۱۹۷۰-۱۹۸۵ in a Generational Comparison* (pp. ۳۷-۵۶). Springer Verlag Berlin Heidelberg.
- Brinkmann, S. (۲۰۱۳). **Qualitative interviewing**. Oxford University Press.
- Chauvel, L. (۲۰۱۰). “**Comparing Welfare Regime Changes: Living Standards and the Unequal Life Chances of Different Birth Cohorts**”. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts ۱۹۷۰-۱۹۸۵ in a Generational Comparison* (pp. ۲۳-۳۶). Springer Verlag Berlin Heidelberg
- Flick, U. (۲۰۰۷). **Designing Qualitative Research**. SAGE Publications Ltd.
- Flick, U. (Ed.). (۲۰۱۴). **The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis**. SAGE Publications Ltd
- Flick, U., Kardorff E. V. and Steinke I. (۲۰۰۴). “**What is Qualitative Research? An Introduction to the Field**”. In U. Flick, *A Companion to Qualitative Research*. (B. Jenner, Trans., pp. ۳-۱۱). SAGE Publications Ltd
- Furlong, A. (۲۰۰۹). **Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas**. Routledge
- Furlong, A. and Cartmel, F. (۲۰۰۷). **Young People and Social Change: Individualization and Risk in Late Modernity**. Open University Press
- Heath, S. (۲۰۰۲). “**Domestic and Housing Transitions and the Negotiations of Intimacy**”. In G. P. Mark Cieslik, *Young People in Risk Society: The Restructuring of Youth Identities and Transitions in Late Modernity*. (pp. ۱۳۷-۱۵۸). Ashgate

- Heinz, W. R. (2009). **“Youth transitions in an age of uncertainty”**. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas*. (pp. 3-13). Routledge
- Hillmert, S. (2010). **“Traditional Inequalities and New Insecurities: Long-Term Trends in the Transition to the Labor Market in Germany”**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1980 in a Generational Comparison*. (pp. 57-76). Springer Verlag Berlin Heidelberg
- Jones, G. (2009). **Youth**. Polity Press
- Jones, G., O’Sullivan, A., and Rouse, J. (2006). **“Young Adults, Partners and Parents: Individual Agency and the Problems of Support”**. *Journal of Youth Studies*, 9(4), 375-392. doi:10.1080/13676260600914374
- Kretsos, L. (2010). **“The Persistent Pandemic of Precariousness: Young People at Work”**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1980 in a Generational Comparison*. (pp. 3-22). Springer Verlag Berlin Heidelberg.
- Leavy, P. (Ed.). (2014). **The Oxford Handbook of Qualitative Research**. Oxford University Press
- Leccardi, C. (2006). **“Facing Uncertainty. Temporality and Biographies in the New Century”**. In C. Leccardi and L. Ruspini, *A new youth?: young people, generations and family life*. (pp. 15-40). Ashgate
- Leccardi, C., and Ruspini, E. (2006). **A New Youth?: Young People, Generations and Family Life**. Ashgate Publishing Limited
- Merkens, H. (2004). **“Selection Procedures, Sampling, Case Construction”**. In U. Flick, *A Companion to Qualitative Research*. (pp. 165-171). Sage Publications Ltd
- Morch, S., and Andersen, H. (2006). **“Individualization and the Changing Youth Life”**. In C. Leccardi and L. Ruspini, *A new youth?: young people, generations and family life*. (pp. 63-84). Ashgate.
- Rapley, T. (2007). **“Interviews”**. In C. Seale, *Qualitative Research Practice*. (pp. 15-33). Sage Publications
- Rapley, T. (2014). **“Sampling Strategies in Qualitative Research”**. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*. (pp. 49-63). SAGE Publications Ltd

- Roulston, K. (۲۰۱۴). “**Analysing Interviews**”. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*. (pp. ۲۹۷-۳۱۲). SAGE Publications Ltd
- Saldaña, J. (۲۰۰۹). **The Coding Manual for Qualitative Researchers**. SAGE Publications Ltd
- Swartz, T.T., and O’Brien, K. B. (۲۰۰۹). “**Intergenerational support during the transition to adulthood**”. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas*. (pp. ۲۱۷-۲۲۵). Routledge
- Tremmel, J. C. (۲۰۱۰). “**A Young Generation Under Pressure?**”. In *The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts ۱۹۷۰-۱۹۸۵ in a Generational Comparison*. Springer Verlag Berlin Heidelberg
- Wyn Johanna, Dan Woodman. (۲۰۰۶). “**Youth and social change in Australia**”. *Journal of Youth Studies* ۹(۵). ۴۹۵-۵۱۴.

Young People, Family and Managing Marriage

Soheyla Sadeghi Fasaee

Ph.D., Associate Professor in Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohsen Banijamali

Head of of Management Studies Department, Strategic Studies and Researches Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran (Ph.D. in Economic and Developmental Sociology, University of Tehran)

Received: ۲۳ Feb. ۲۰۱۹

Accepted: ۳۱ Mar. ۲۰۱۹

This qualitative study, by semi-structured interviews and based on young people's views, is to know how young people and their families, in interactions with each other, manage young people's marriages. Sample consists of ۲۰ young peoples who are men and women, married and unmarried, and also from different ages and classes. Selection procedure is information-oriented and designed based on maximum variation and extreme cases. The research shows that the main burden of young people's marriages is on the shoulder of the family. It is enforced by traditional family roles in managing young people's marriages, as it is paralleled by, and accumulated with, new responsibilities, which are related to managing young people's educational aspirations and also their efforts for making an independent life. Since family does not have enough resources and simultaneously have to cope with different tasks, it inevitably

would be faced with an unbearable and exhaustive situation, in addition to, probable pressure and intensified and increased inequality. The study also shows that relationships between young people and their families in managing marriages are based on reciprocal actions and also flexible interactions. Parents accept young people's right to make decisions and conduct their marriages, whereas young people, instead of rewarding family supports, embrace traditional procedures and acknowledge family interferences. This means that, whereas young people reflexively manage their marriages, families have beneficially remained efficient in supporting modern marriage processes. On these bases new order in managing young people's marriages is under construction.

Key Words: Young People, Family and Marriage